

یاد آوری سالگرد یک جنایت هولناک ضد بشری

پیرامون هفتادمین سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی

پرتاب بمب وحشتناک اتمی در شهرهای پرجمعیت هیروشیما و ناکازاکی و قربانی کردن هزاران نفر مردم غیر نظامی عکس العمل منجرانه بورژوازی امپریالیستی آمریکا و انگلیس در مقابل پیروزی درخشان ارتش سرخ در نبرد تاریخی و آزادیبخش استالین گراد بود. جنایتکاران امپریالیست میخواهند چنین جنایات هولناکی را به عنوان آئینه تمام نمای تمدن بشری به خورد تاریخ دهند و ماهیت جنایتکارانه آن را پرده پوشی نمایند.

در هفتاد سال پیش در روزهای 6 و 9 اوت 1945 امپریالیسم آمریکا بمبهای اتمی خویش را که قبلا در تاریخ 16 ژوئیه در صحرای نیومکزیکو آماده و آزمایش کرده بود برای زهر چشم گرفتن از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی لنینی و استالینی، برای سرکوب نهضت کارگری، برای ممانعت از اوج نهضت‌های آزادیبخش و سرانجام برای تامین سرکردگی خویش در منطقه اقیانوس آرام به شهرهای هیروشیما و ناکازاکی پرتاب کرد که حدود دویست هزار نفر در عرض یک ثانیه جان دادند. میلیونها خانه ویران شد و هزاران نفر آواره شده و نسلهای در اثر تأثیرات اشعه رادیو آکتیو به انواع و اقسام بیماریها دچار شدند که پس از جنگ در بیمارستانهای "حقوق بشر" آمریکائی به وضع آنها رسیدگی گردید تا نتایج تأثیرات انفجارات اتمی را بر روی بدن آنها آزمایش کنند و آمادگی ارتش آمریکا را برای مقابله با صدمات ناشی از بمب اتم مجهز گردانند. امپریالیسم آمریکا مانند امروز که در مورد عراق دروغ میگفت در آن زمان نیز با ریاکاری در مورد لزوم پرتاب بمبهای اتمی مدعی بود که پایان دادن هر چه زودتر به جنگ از قربانی شدن افراد بیشتر جلوگیری کرده و در واقع استفاده از بمب اتمی در خدمت نجات بشریت است.

دم خروس این استدلال امپریالیستی از یقه آنها بیرون زده است. اگر ساده لوحانه این شبه استدلال را بپذیریم آنوقت این پرسش هنوز بی جواب میماند که پرتاب بمب اتمی در ناکازاکی چه لزومی داشت. چرا پس از پرتاب بمب اتمی در هیروشیما که نتایج غیر قابل تصورش برای هر نوع تسلیمی کفایت میکرد منتظر عکس العمل حکومت ژاپن نشدند و با پرتاب بمب دوم هزاران نفر دیگر را نیز نابود ساختند. کجای این تناقض با خدمت به بشریت خوانائی دارد.

ولی حقیقت این است که دولت ژاپن آمادگی تسلیم خویش را به اتحاد شوروی اعلام داشته بود. وزیر امور خارجه ژاپن "توگو" Togo به سفیر خویش در مسکو تلگراف زد: "علیحضرت امپراتور با توجه به این واقعیت که جنگ کنونی روزانه نتایج وخیمی را نشان میدهد، معتقد است، که... باید فوراً قطع گردد". علاوه بر آن "توگو" از سفیر ژاپن می طلبید که دولت شوروی را قبل از تشکیل جلسه سه جانبه متفقین در پندام از تصمیم صلح طلبانه دولت ژاپن مطلع کند. امپراتور ژاپن آماده است شاهزاده "کونویه Konoye را برای مذاکرات اعزام کند. در این خواست ژاپن آمده بود که آنها حاضرند شرایط سخت تسلیم را بپذیرند و مناطق اشغالی را ترک کنند.

پرزیدنت ترومن که از نتایج مثبت آزمایشات اتمی در صحرای نیو مکزیکو مطلع شده بود در 25 ژوئیه سال 1945 به نیروی هوایی دستور داد شهرهای ژاپن را از آغاز ماه اوت بمباران اتمی کند. در آن زمان سه گزینش در مقابل ترومن قرار داشت که در مورد آنها تک تک بحث شد. نخست اینکه برای نمایش قدرت اتمی آمریکا، بمب اتم را در یک منطقه غیر مسکونی منفجر کنند. دودیکر آنکه بمب را در یک منطقه نظامی بیاندازند. گزینه سوم آن بود که آنرا در یکی از شهرهای مسکونی بافکنند. ترومن گزینه سوم را برگزید. زیرا این گزینه هم امپریالیسم ژاپن را تضعیف و تحقیر میکرد، غرورش را در هم میریخت و هم ارتش ژاپن و ارتجاع حاکم را برای مصارف بعدی خویش در شرق شوروی دست نخورده باقی میگذاشت. در حالی که ترومن در پی کشتار جمعی بود دولت ژاپن تلاشهای خویش را برای پایان بخشیدن به جنگ و تسلیم ادامه میداد و میخواست بر سر شرایط تسلیم با

متفقین مذاکره کند. امپریالیسم آمریکا مخالف مذاکره با ژاپن بود و از سایر دول متفق میخواست که مطابق توافقنامه فیما بین جنگ را بر علیه ژاپن ادامه دهند و از آتش بس یکطرفه خودداری کنند. این کش دادن زمان مذاکره، وابستگی کامل با نتایج آزمایشات اتمی در آمریکا داشت. وقتی خیال ترومن با کسب خبر از واشنگتن راحت شد با یک گردش قلم جان صدها هزار نفر را عزرائیل گونه قبضه کرد. بگذریم از اینکه گزارشات سازمانهای جاسوسی متفقین نشان میدادند که به علت وضعیت نابسامان اقتصادی و نظامی در ژاپن، دولت ژاپن قادر به ادامه جنگ نیست و مسئله تسلیم بلا قید و شرط ژاپن تنها یک مسئله زمانی است. همین "خطر" تسلیم ژاپن بود که لزوم استفاده از بمب اتمی را ایجاب میکرد. آمریکاییها حتی لزوم آنرا نیز ندیدند که ژاپن را نخست به پرتاب بمب اتم تهدید کنند و از مردم هیروشیما و ناگازاکی بخواهند که شهرها را ترک گویند. تاثیر منهدم کننده بمب اتمی حتی در شهرهای خالی از سکنه ژاپن نیز میتوانست به همان انتظاراتی منجر شود که امپریالیستها در آرزوی آن بودند. ولی خیر باید انتقام بندر "پال هابر" در فیلیپین نیز از ژاپنیها گرفته میشد.

ژاپن تسلیم شد ولی نه تسلیم بی قید و شرط. امپراتوری ژاپن که مانند رایش سوم جنایتکار جنگی بود باید در پشت جبهه شوروی و چین توده ای و کره دموکراتیک مجددا تقویت میشد و پایگاه امپریالیسم آمریکا در اقیانوس آرام برای مبارزه مجدد با کمونیسم بدل میشد. برخلاف اروپا که تنها پاره ای از همدستان مهم هیتلر را در دادگاه نورنبرگ به محاکمه کشیدند و پاره ای نظیر دکتر شاخت را نجات دادند، در ژاپن دستی به ترکیب نظام امپراتوری وارد نساختند و هیروهیتو بر تخت امپراتوری ژاپن باقی ماند تا سنتهای ارتجاعی حاکم در ژاپن را برای مبارزه با کمونیسم حفظ نماید. امپریالیسم باردیگر چهره ضد انسانی و ارتجاعی خویش را نشان میداد. حتی امپریالیسم ژاپن توانست در سایه قارچ اتمی گناهان غیر قابل بخشش در اشغال چین و کره را پرده پوشی کند و چهره ملکوتی و قربانی جنگ به خود بگیرد.

سیاست حمایت از هیروهیتو در ژاپن، تقویت همدستان فاشیستها نظیر سالازار در پرتقال و فرانکو در اسپانیا و روی کار آوردن همدستان نازیها مجددا در آلمان، پیاده کردن قوای متفقین در نورماندی و گشودن جبهه جدید پس از شکست نازیها در استالینگراد و تقویت جنبش کمونیستی و "خطر" قدرت گرفتن کمونیستها در فرانسه، بلژیک، ایتالیا و... همگی همان سیاست واحدی بود که به پرتاب بمب اتمی در ناگازاکی و هیروشیما منجر شد. یکی مکمل دیگری بود.

امپریالیسم آمریکا پس از جنگ جهانی دوم نه تنها بمب اتمی را به بمب هیدروژنی و سپس بمب نیترونی بدل کرد، نه تنها در پی ساختن بمبهای ریز و کوچک بنام "مینی بمب" است تا استفاده از آن آسان باشد، بلکه به این زرادخانه جنایتکارانه برای ایجاد هیروشیماها و ناگازاکیهای دیگر سلاحهای کشتار جمعی شیمیایی نظیر بمبهای ناپالم، بمبهای گاز سمی خردل، بمبهای بیولوژیک نظیر بمب زخم سیاه و... را افزوده است. بزرگترین بودجه نظامی در زمان صلح موقت، به امپریالیسم آمریکا تعلق دارد. چنین غول هولناک و جنایتکاری که پاهایش در باتلاق عراق گیر کرده است در مقابل اراده خلقهای جهان بیچاره و درمانده ای بیش نیست. چنین عفریتی نمیتواند متمدن باشد، چنین قاتلی نمیتواند حامی حقوق بشر و مبشر آزادی و دموکراسی، مدافع حقوق خلقهای جهان باشد. اینها تجاربی است که مردم جهان باید از هفتاد سالگی بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی بگیرند. اینها تجربه ایست که باید نشان دهد پس از هفتاد سال ماهیت این امپریالیسم تغییر نکرده و نمیتواند تغییر کند.

حال امپریالیستی با این کارنامه سرشار از جنایت، امپریالیستی که بعنوان تنها کشور جهان بمب اتمی را با هدف روشن سیاسی و جنایتکارانه مورد استفاده قرار داده است به سرزمینهای ملل دیگر به بهانه ممانعت از گسترش سلاحهای کشتار جمعی تجاوز میکند و همان سیاست را به اشکال دیگر ادامه میدهد.

هم اکنون نیز میخواهد حق قانونی ایران در مورد غنی کردن اورانیوم را از وی سلب کند و ایران را به زانده سیاست هسته ای خود بدل گرداند. این ابر جنایتکار وحشی مردم ایران را به تجاوز و بمباران

اتمی تهدید میکند. این سیاست استعماری و قلدرمنشانه نشانه بربریت سرمایه داری است و باید با بسیج توده های مردم با دورنمای سوسیالیسم به آن پاسخ گفت. تنها سوسیالیسم است که بشریت را از قید این همه ستمگری و جنایت نجات میدهد و سلاحهای کشتار جمعی را به گورستان تاریخ میسپارد. ما باید خواهان نابودی همه سلاحهای اتمی در جهان باشیم. باید در درجه اول خطرناکترین دشمنان بشریت یعنی امپریالیستها و صهیونیستها را خلع سلاح کرد، تا خطر جنگ منتفی گردد. این اقدام تنها با یک انقلاب اجتماعی ممکن است.

حزب کار ایران (توفان)

15 مرداد ماه 1394

www.toufan.org